

محمد مهدی رحمتی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان در گفت‌وگو با «ایران»:

قهرمانان در «میدان» اجتماعی رشد می‌کنند

ورزشکاران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و همبستگی اجتماعی دارند

مهری زنجبیر/ هنگامی که ستاره‌های ورزشی در میدان رقابت می‌درخشند، جامعه به‌طور ناخودآگاه از آنان انتظار دارد که فراتر از عرصه ورزش، در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌آفرین باشند. این نقش‌آفرینی، نه تنها بر اعتبار حرفه‌ای آنان می‌افزاید، بلکه نام‌شان را در حافظه تاریخی یک ملت ماندگار می‌کند. نمونه برجسته‌تر این، جهان‌پهلوان تختی است؛ قهرمانی که صرفاً به افتخاراتش روی تشک کشتی محدود نماند، بلکه در بزنگاه‌هایی

«مسئولیت‌اجتماعی ورزشکاران»

چگونه‌قابل‌تعریف‌است؟

در جامعه‌شناسی، درباره کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی یک دیدگاه واحد وجود ندارد. برخی نظریه‌ها بر «کنش اجتماعی» تأکید دارند و برای کنشگران در عرصه‌های مختلف جامعه نقش و عاملیت قائل‌اند. در مقابل، دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که کنش‌ها را عمدتاً محصول ساختارهای نهادی و الزامات سازمانی می‌دانند و نقش چندان‌ی برای عاملیت فردی قائل نیستند.

من به‌عنوان یک پژوهشگر اجتماعی، به دیدگاه «پیر بودیو» نزدیک‌تر هستم. براساس این نگاه، نمی‌توان عاملیت و ساختار را کاملاً از هم جدا کرد؛ هرچند در سطح نظری می‌توان از تمایز میان این دو سخن گفت. در واقع، این دو در هم تنیده‌اند؛ ساختارهای اجتماعی وجود دارند، اما خود محصول کنش‌های انسانی‌اند.

در مورد مسئولیت اجتماعی ورزشکاران

نیز همین منطق صادق است. قهرمانان

در یک «میدان» اجتماعی رشد می‌کنند،

هنجارها و رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند

و سپس به‌عنوان یک کنشگر می‌توانند

این خلاقیت و توانایی در این میدان عمل

کنند. بنابراین، مسئولیت اجتماعی هم

نوعی کنش اجتماعی است و هم متأثر از

ساختارهای نهادی ورزشی.



نکته مهم در پرسش شما تأکید بر «بیشتربودن» است، میزان برجستگی عاملیت یا ساختار به‌بستر اجتماعی بستگی دارد. در جوامع مردم‌سالار، امکان کنشگری افراد، بویژه چهره‌های برجسته‌تر در ورزش، فرهنگ و اقتصاد، بیشتر است. در مجموع، هر دو بعد کنشگری و ساختار را باید در تحلیل مسئولیت اجتماعی ورزشکاران در نظر گرفت، و هرچند وزن هرکدام ممکن است در جوامع مختلف متفاوت باشد.

ورزشکاران در چهارچوب نظریه سرمایه اجتماعی چه نقشی در ایجاد و تقویت اعتماد در جامعه دارند؟

می‌توان مسئولیت اجتماعی ورزشکاران را نوعی پاسخ به سرمایه اجتماعی دانست که در سبب جوامع در اختیار این نهاد قرار گرفته است. مؤلفه‌های مانند شهرت، محبوبیت، افتخارآفرینی و مهم‌تر از همه «اعتماد»، نوعی سرمایه اجتماعی هستند که جامعه در قبال عملکرد ورزشی و ایجاد شادی و غرور ملی به ورزشکاران اعطا می‌کند.

این اعتماد، نوعی انتظار نیز به همراه دارد. جامعه از قهرمانان خود انتظار دارد که علاوه بر موفقیت در میدان ورزشی، در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌آفرینی کنند. بخشی از این انتظار ناشی از تعریفی است که جامعه از جایگاه ورزشکاران دارد و بخشی دیگر ریشه در سنت‌های تاریخی و فرهنگی ایران دارد.

در فرهنگ ایرانی، مفهوم «پهلوان» صرفاً به موفقیت ورزشی محدود نمی‌شود، بلکه با ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی مثبت همراه است.

از این‌رو، انتظار می‌رود ورزشکاران پیش از درخشش ورزشی، این ویژگی‌ها را نیز در خود پرورش دهند.

در سطح جهانی نیز ورزشکاران، بویژه در میان نوجوانان و جوانان، تأثیرگذاری قابل‌توجهی دارند؛ زیرا این گروه‌های سنی در مرهله‌ای از زندگی هستند که به دنبال هویت‌یابی، پذیرش مسئولیت اجتماعی و یافتن الگوهای مناسب می‌گردند.

چون زلزله بویین زهرا، با بسیج کمک‌های مردمی به یاری آسیب‌دیدگان شستافت. همین کنش‌ها بود که او را در ذهن و دل مردم ایران-حتی نسل‌هایی که هرگز او را از نزدیک ندیده‌اند-به «جهان‌پهلوان» تبدیل کرد. به بهانه بررسی ابعاد گوناگون مسئولیت اجتماعی ورزشکاران و تأثیر پیامدهای مثبت و منفی آن در جامعه با دکتر محمد مهدی رحمتی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید.

تا چه حد می‌توان از یک ورزشکار انتظار داشت که فراتر از میدان ورزش نقش ایفا کند، بدون اینکه این انتظارها به فشار بیش از حد تبدیل شود؟

در هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ آن، نوعی انتظار و مسئولیت اجتماعی برای ورزشکاران تعریف می‌شود. این انتظارات همیشه یکسان نیستند و حتی در درون میدان ورزش نیز، به دلیل تفاوت میان فدراسیون‌ها و رشته‌های مختلف، شاهد شکل‌های متفاوتی از کنشگری ورزشکاران هستیم. در ادبیات ورزشی، مفهومی به نام «واماندگی» وجود دارد؛ وضعیتی که در آن، فشار بیش از حد تمرینات و مسابقات، ورزشکار را دچار خستگی، دل‌زدگی و فرسودگی می‌کند.

هرچند ورزش کردن شغل ورزشکار است، اما اگر حجم فشارها از حدی فراتر رود، او ممکن است دیگر توان و انگیزه ادامه نداشتن داشته باشد. این وضعیت در مورد نقش‌های اجتماعی نیز صدق می‌کند. در ایران نمونه‌هایی وجود داشته که پس از موفقیت یک ورزشکار، نهادها و مختلف ورزشی کنشگر تلاش کرده‌اند از شهرت او برای انتقال پیام‌های مورد نظر خود استفاده کنند. در چنین شرایطی، ورزشکار ممکن است دچار نوعی واماندگی اجتماعی شود؛ به‌طوری‌که نه تنها از نقش‌های اجتماعی فاصله بگیرد، بلکه حتی انگیزه ادامه فعالیت ورزشی را نیز از دست بدهد و تا مرز کناره‌گیری پیش برود.

آیا انتظار اینکه ورزشکاران از نظرمالی

با جامعه‌همراهی کنند(مثلاً بخشی از درآمد خود را بيشند)، منطقی و قابل دفاع است؟

ورزشکاران می‌توانند از راه‌های مختلفی به جامعه کمک کنند و این کمک‌ها لزوماً محدود به کاهش دستمزد یا انصراف از درآمد نیست. برای مثال، مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه مانند کمک به آزادی زندانیان مالی، حمایت از افراد نیازمند، ساخت مدرسه، بیمارستان یا فضاهای ورزشی و تأمین تجهیزات ورزشی، از جمله اقداماتی است که می‌توانند نقش بسیار مؤثری داشته باشند.

انصراف از بخشی از درآمد، از نظر اخلاقی ممکن است اقدامی ارزشمند و نشانه‌ای واقع‌گرایانه همیشه قابل انتظار نیست. بویژه در شرایطی که جامعه با چالش اقتصادی، نوسانات شدید و فشارهای معیشتی مواجه است، حتی خود ورزشکاران نیز از این وضعیت تأثیری می‌پذیرند.

در چنین شرایطی، به‌جای تأکید صرف بر کاهش درآمد، بهتر است بر نقش فعال ورزشکاران در مسئولیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های عام‌المنفعه تمرکز شود. این نوع مشارکت‌ها هم با مفهوم مسئولیت اجتماعی سازگارتر است و هم اثرگذاری ملموس‌تری دارد. از سوی دیگر، جامعه نیز از ورزشکاران انتظار دارد که نسبت به مسائل اجتماعی حساس باشند و نقش فعالی ایفا کنند. وقتی ورزشکاران در چنین فعالیت‌هایی مشارکت می‌کنند، نوعی حسن‌انیت و حمایت در میان مردم شکل می‌گیرد و نگاه عمومی به آنها مثبت‌تر می‌شود. همچنین این اقدامات می‌تواند احساس نرابرابری را تعدیل کند. گاهی ارقام بالای درآمد ورزشکاران باعث واکنش منفی هواداران می‌شود، اما وقتی مردم از فعالیت‌های خیرخواهانه آنها آگاه می‌شوند، این حس تاحدی تلطیف‌شده و حتی به استقبال و حمایت تبدیل می‌شود.

نرابرابری در حوزه دستمزد‌ها چه تأثیری بر تصویر اجتماعی و رابطه ورزشکاران با مردم دارد؟

این مسأله فقط به ایران محدود نیست. بر این مثال، در انگلستان حدود ۶۰ تا ۷۰ سال پیش و پس از جنگ جهانی، با حرفه‌ای شدن ورزش، فاصله اجتماعی میان ورزشکاران و هواداران به‌تدریج افزایش یافت. با افزایش درآمد ورزشکاران، سطح زندگی آنها از میانگین جامعه فاصله گرفت و به نوعی دچار تحرک صعودی اقتصادی شدند.

این تغییر، رابطه پیشین میان ورزشکاران و مردم را درگون کرد. امروزه بسیاری از ستاره‌های ورزشی در شرایط متفاوت از عموم جامعه زندگی می‌کنند؛ از جمله داشتن محافظ، سکونت در مناطق خاص و بهره‌مندی از حقوق و مزایای بالا. این وضعیت نوعی فاصله



فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه ورزشکاران می‌توانند به تقویت اعتماد عمومی، افزایش مشروعیت اجتماعی و ارتقای جایگاه آنها در جامعه منجر شود.

رسانه‌ها چگونه تصویر ورزشکاران مسئول اجتماعی را می‌سازند و آیا این روند می‌تواند باعث تجاری شدن رفتارهای اجتماعی ورزشکاران شود؟

در این زمینه می‌توان هم از جنبه مثبت و هم از جنبه منفی نقش رسانه‌ها صحبت کرد. اهمیت رسانه‌ها در جهان امروز به قدری بالاست که برخی جامعه‌شناسان مانند «بودریار»، از مفاهیمی مانند «فراواقعیت» یا «حادواقعیت» سخن می‌گویند. به این معنا که رسانه‌ها گاهی رویدادها را به شکلی بازنمایی می‌کنند که با واقعیت اصلی این زمینه، برخی جامعه‌شناسان مانند «دورپرن» این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا نقش یک معلم ابتدایی برای جامعه مهم‌تر است یا یک قهرمان ورزشی؟ اگر معلم نقش مهم‌تری دارد، چرا درآمدش بسیار کمتر است؟

در مقابل، دیدگاهی دیگر تأکید می‌کند که باید معیار «سودمندی» را بازتعریف کرد. از این دیدگاه، ورزشکاران با ایجاد شور و نشاط اجتماعی، افتخار ملی و الگوسازی، نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند.

در مجموع، مسأله نرابرابری در حوزه دستمزد‌ها در ورزش چندبعدی است و تنها یک پاسخ ساده ندارد. این نرابرابری حتی در درون خود ورزش نیز وجود دارد؛ مثلاً تفاوت چشمگیر میان دستمزد و توجه رسانه‌ای برای ورزشکاران مرد و زن که نشان می‌دهد این آفریند از یک قاعده مشخص پیروی نمی‌کند، هرچند تلاش‌هایی برای کاهش آن صورت گرفته است.

فعالیت‌های خیرخواهانه ورزشکاران چگونه باعث افزایش اعتبار اجتماعی آنها می‌شود؟

مسئولیت اجتماعی را می‌توان نوعی تعهد داوطلبانه و اخلاقی برای مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه دانست؛ فعالیت‌هایی که به نفع کل جامعه یا بخشی از آن باشند. زمانی که جامعه ببیند یک فرد یا گروه به بهبود وضعیت اجتماعی کمک می‌کند، نگاه مثبتی نسبت به آنها شکل می‌گیرد.

در مورد ورزشکاران نیز همین موضوع صادق است. اگر آنها در فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی مشارکت داشته باشند، فضای مثبتی پیرامون آنها ایجاد می‌شود و عملکردشان نه تنها در میدان ورزش، بلکه در عرصه اجتماعی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در مقابل، اگر سبک زندگی ورزشکاران پیش از حد بر تجمّل، مصرف‌گرایی و نمایش ثروت متمرکز باشد، مصرف‌گراستی واکنش منفی جامعه را به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، حتی موفقیت‌های ورزشی آنها نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و مشروعیت اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد. گاهی جامعه این افراد را «تازه به دوران رسیده» تلقی می‌کند که گذشته خود را فراموش کرده‌اند.

اما در نقطه مقابل، ورزشکارانی که در فعالیت‌های خیرخواهانه مشارکت دارند، علاوه بر دستاورد‌های مادی، از احترام و اعتبار اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند. این اقدامات می‌تواند به افزایش سرمایه‌نمادین و حتی مشروعیت اجتماعی آنها منجر شود.

این موضوع در برخی رشته‌ها مانند کشتی، پیشینه تاریخی و فرهنگی نیز دارد. در سنت پهلوانی، ورزشکاران علاوه بر مهارت ورزشی، در امور اجتماعی و کمک به مردم نیز فعال بودند. برای مثال، در زورخانه‌ها رسم «گلریزان» وجود دارد که طی آن برای کمک به نیازمندان یا حل مشکلات افراد، کمک جمع‌آوری می‌شود. این سنت‌ها نه تنها به حل مسائل اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه موجب افزایش اعتبار و جایگاه اجتماعی ورزشکاران و حتی کل آن رشته ورزشی می‌شود.

رسانه‌ها تا چه حد می‌توانند بر سرنوشت اجتماعی و حرفه‌ای ورزشکاران تأثیر بگذارند؟

رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی و بازتولید تصویر اجتماعی ورزشکاران دارند.

این نقش می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی.

در برخی موارد، ورزشکاری که در ایفای نقش اجتماعی خود دچار مشکل یا حتی به کجروی منتهم شده، تحت‌تأثیر پوشش رسانه‌ای به شدت آسیب دیده است. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که پس از مدتی مشخص شده فرد بی‌گناه بوده، اما خود او گفته نحوه برخورد رسانه‌ها باعث پایان یافتن دوران حرفه‌ای‌اش شده و دیگر بازگشتی برایش وجود نداشته است.

در مقابل، مواردی وجود دارد که رسانه‌ها نقش مثبتی ایفا کرده و به بازسازی تصویر یک ورزشکار کمک کرده‌اند تا دوباره به میدان بازگردند و فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دهند.

نکته مهم دیگر این است که رسانه‌ها نه تنها با برجسته‌سازی، بلکه با نادیده گرفتن نیز تأثیرگذارند. برخی ستاره‌های ورزشی که سال‌ها در مرکز توجه رسانه‌ها بوده‌اند، با حذف ناگهانی از این فضا، دچار بحران هویتی می‌شوند.

در مقابل، نمونه‌هایی نیز وجود دارد که رسانه‌ها با پرداختن دوباره به وضعیت یک ورزشکار، زمینه بازگشت او به زندگی عادی را فراهم کرده‌اند. برای مثال، در مورد یکی از اسطوره‌های فوتبال آلمان که دچار مشکلات جدی شده بود، توجه رسانه‌ها باعث شد باشگاه سابقش وارد عمل شود، او را تحت درمان قرار دهد و حتی مسئولیتی به او واگذار کند تا بتواند دوباره نقش اجتماعی خود را ایفا کند.

رسانه‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ساخت، بازنمایی و حتی بازسازی مسئولیت اجتماعی ورزشکاران دارند. این نقش می‌تواند به تقویت جایگاه اجتماعی افراد، منجر یا برعکس، به تضعیف و حتی حذف آنها از عرصه حرفه‌ای و اجتماعی منتهی شود.

آیا بازنمایی رسانه‌ای فعالیت‌های

اجتماعی ورزشکاران باعث افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود یا نمایشی شدن اخلاقی و فضایی شدن این

فعالیت‌ها را به دنبال می‌دارد؟

این پرسش بسیار مهم و ظریف است و پاسخ آن یک‌سویه نیست؛ هر دو حالت ممکن است رخ دهد. در این زمینه، تفاوت میان «صحنه» و «پشت‌صحنه» زندگی ورزشکاران اهمیت زیادی دارد. جامعه انتظار دارد ویژگی‌هایی مانند ریساکاری، دروغ‌گویی و کجروی در رفتار ورزشکاران دیده نشود. یکی از چالش‌های مهم، موضوع «اخلاق نمایشی» است؛ یعنی ورزشکار در ظاهر و در فضای عمومی از ارزش‌های اخلاقی سخن بگوید، اما در عمل و در زندگی واقعی خلاف آن رفتار کند. چنین وضعیت‌ی باعث کاهش اعتماد عمومی شده و به تضعیف سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود.

آیا بازنمایی رسانه‌ای فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران باعث افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود یا نمایشی شدن اخلاقی و فضایی شدن این

فعالیت‌ها را به دنبال می‌دارد؟

این پرسش بسیار مهم و ظریف است و

پاسخ آن یک‌سویه نیست؛ هر دو حالت

ممکن است رخ دهد. در این زمینه، تفاوت

میان «صحنه» و «پشت‌صحنه» زندگی

ورزشکاران اهمیت زیادی دارد. جامعه انتظار

دارد ویژگی‌هایی مانند ریساکاری، دروغ‌گویی

و کجروی در رفتار ورزشکاران دیده نشود.

یکی از چالش‌های مهم، موضوع «اخلاق

نمایشی» است؛ یعنی ورزشکار در ظاهر و در

فضای عمومی از ارزش‌های اخلاقی سخن

بگوید، اما در عمل و در زندگی واقعی خلاف

آن رفتار کند. چنین وضعیت‌ی باعث کاهش

اعتماد عمومی شده و به تضعیف سرمایه

اجتماعی منتهی می‌شود.

آیا بازنمایی رسانه‌ای فعالیت‌های اجتماعی

ورزشکاران بر پایه باورهای واقعی و ارزش‌های

درونی آنها باشد، می‌تواند به افزایش

همبستگی اجتماعی منجر شود؛ حتی اگر

این فعالیت‌ها در قالب سازمانی انجام شود،

مردم نیز با آن همراهی خواهند کرد. نمونه

مشهور آن رفتار جهان‌پهلوان تختی در زلزله

بویین‌زهراست؛ زمانی که او شخصاً در کوچه

و خیابان به جمع‌آوری کمک پرداخت و چون

مردم این رفتار را صادقانه و غیرنمایشی

دیدند، با او همراه شدند.

اما اگر جامعه احساس کند این اقدامات

صرفاً برای نمایش جلب توجه است،

نه تنها پذیرفته نمی‌شود، بلکه باعث

سطحی شدن کنش‌های اجتماعی خواهد

شد؛ حتی در چنین فضایی، رفتارهای



برش

آیا تمرکز بیش از حد بر مسئولیت فردی ورزشکاران باعث می‌شود ریشه‌های ساختاری مشکلات اجتماعی نادیده گرفته شود؟

این نکته بسیار مهمی است و از انتقادهای جامعه‌شناسان انتقادی به دیدگاه‌های محافظه‌کارانه به شمار می‌رود. در رویکردهای محافظه‌کار، معمولاً موفقیت یا شکست افراد به تلاش و عملکرد شخصی آنها نسبت داده می‌شود. بر این اساس، اگر ورزشکاری موفق نشود، خود او مقصر دانسته می‌شود. اما جامعه‌شناسان انتقادی دیدگاه متفاوتی دارند. آنها با پذیرش نقش تلاش فردی، تأکید می‌کنند که نیروی امکانات، وجود تبعیض، نرابرابری و موانع ساختاری می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ناگامی افراد داشته باشند.

بنابراین نمی‌توان همه مسئولیت را به دوش فرد گذاشت. از سوی دیگر، در جامعه نهاد‌هایی مانند هلال احمر، بهزیستی و سایر سازمان‌های حمایتی هستند که وظایف مشخصی در حوزه مسائل اجتماعی دارند. اگر افراد به‌صورت فردی جای این نهادها عمل کنند، در واقع کارکرد و ضرورت این سازمان‌ها زیر سؤال می‌رود. علاوه بر این، کنش‌های فردی ممکن است با آسیب‌ها و حتی سوء‌استفاده‌هایی همراه باشد. در واقع، مسائل اجتماعی باید توسط نهادهای اجتماعی و در چهارچوب‌های رسمی مدیریت و حل‌وفصل شوند. هرچند مسئولیت اجتماعی ورزشکاران اهمیت دارد، اما این مسئولیت باید در چهارچوب نهادی و سازمان‌یافته تعریف و اجرا شود.

ورزشکاران چه نقشی در شکل‌گیری هویت جمعی و افزایش همبستگی اجتماعی دارند، بویژه در جوامعی که با نرابرابری در حوزه دستمزد‌ها مواجهند؟ ورزشکاران نقش‌های متعددی دارند که یکی از مهم‌ترین

صادقانه نیز ممکن است با بدبینی مواجه شوند.

ورزشکاران فقط بر اساس یک اقدام خاص قضاوت نمی‌شوند، بلکه در چهارچوب کلی شخصیت، عملکرد و سبک زندگی‌شان ارزیابی می‌شوند. عوامل مختلفی، از زندگی خانوادگی تا فعالیت‌های حرفه‌ای، در این ارزیابی نقش دارند.

مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تا چه حد باید از سطح فردی به سطح سازمانی (باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها) منتقل شود؟ این پرسش یکی از چالش‌های مهم در بحث مسئولیت اجتماعی است و فقط به ورزش محدود نمی‌شود. در بسیاری از ساختارهای اجتماعی و سازمانی در ایران نیز چنین مسأله‌ای وجود دارد.

در گذشته، فعالیت‌های اجتماعی در قالب‌های سنتی و نهادینه شده انجام می‌شد؛ برای مثال، آیین «گلریزان» در زورخانه‌ها نمونه‌ای از کنش‌های اجتماعی سازمان‌یافته بود. اما در دوران جدید، این فعالیت‌ها بیشتر حالت فردی، مقطعی، هیجانی و گاهی نمایشی پیدا کرده‌اند که می‌تواند آسیب‌هایی به همراه داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مشکلات کنش‌های فردی، نبود پایداری و استمرار است. وقتی یک فعالیت به فرد وابسته باشد، با کنار رفتن آن فرد، آن فعالیت هم متوقف می‌شود. اما اگر این مسئولیت‌ها در قالب نهادها و ساختارهای مشخص تعریف شوند، حتی با تغییر افراد نیز ادامه پیدا می‌کنند. علاوه بر این، در سطح نهادی امکان نظارت، مدیریت و ارزیابی دقیق‌تر نیز وجود دارد.

نقد اصلی به فعالیت‌های فردی این است که احتمال بروز آسیب در آنها بیشتر است، زیرا نظارت مشخصی وجود ندارد. در برخی موارد دیده شده که افراد با نیت خیر اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کرده‌اند، اما نمود سازوکار شفاف، مشکلات حقوقی ایجاد کرده است. حتی در مواردی سوء‌استفاده‌هایی نیز رخ داده، هرچند این افراد لزوماً ورزشکار نبوده‌اند.

مسأله اصلی، فرد نیست، بلکه نوع کنش و نبود ساختار مناسب برای انجام آن است؛ در حالی که اگر این فعالیت‌ها در قالب سازمانی انجام شوند، همه چیز-نخوه جمع‌آوری کمک‌ها تا نحوه هزینه‌کرد- شفاف و قابل نظارت خواهد بود. با وجود همه اقدامات مثبت و خیرخواهانه‌ای وارد است که بسیاری از این فعالیت‌ها فردی بوده‌اند. بنابراین لازم است این کنش‌ها با برنامه‌ریزی، مطالعه و در نظر گرفتن همه جوانب، به سطح نهادی و سازمانی منتقل شوند تا هم اثربخشی بیشتری داشته باشند و هم از آسیب‌ها و سوء‌استفاده‌ها جلوگیری شود.

چگونه می‌توان مسئولیت اجتماعی

در ورزش را از کارهای فردی و داوطلبانه

به یک برنامه‌ی پایدار و سازمان‌یافته

تبدیل کرد؟

برای تحقق این هدف، نیاز به مجموعه‌ای از اقدامات قانونی، حقوقی و مدیریتی وجود دارد. به این معنا که در سازمان‌های ورزشی و مجموعه‌های اجتماعی باید چهارچوب‌ها

و دستورالعمل‌های مشخصی تدوین شود

تا فعالیت‌های اجتماعی در قالب آنها

انجام گیرد.

در چنین شرایطی، ورزشکاران می‌توانند

همچنان نقش مهمی ایفا کنند، اما این

نقش از طریق «بازنمایی» میدان

ورزش» و در بستر نهادهای رسمی ورزشی

شکل می‌گیرد. این امر باعث می‌شود

فعالیت‌های اجتماعی از حالت مقطعی

و پراکنده خارج و به شکل تثبیت‌شده،

مستمر و قابل ارزیابی درآید.

آنها «الگوی نقش» بودن است. بسیاری از نوجوانان در دوره شکل‌گیری هویت خود، از ورزش و ستاره‌های ورزشی تأثیر می‌گیرند و آنها را به‌عنوان الگو انتخاب می‌کنند. از آنجا که ورزشکاران حضوری ملموس و پربرگ در زندگی دارند، تأثیر آنها در مقایسه با بسیاری از حوزه‌های دیگر بیشتر است. از نظر همبستگی اجتماعی نیز موفقیت‌های ورزشی می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. برای مثال، صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ پس از سال‌ها انتظار، موجی از شادی و حضور گسترده مردم در فضای عمومی ایجاد کرد که از نظر بسیاری از ناظران کم‌نظیر بود.

حتی برخی این رویداد را با لحظات تاریخی مهمی مقایسه کرده‌اند. در سطح جهانی نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد. برای مثال، قهرمانی تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۷۰، شرایطی قش‌داد که این کشور با نرابرابری‌های شدید اقتصادی مواجه بود. برخی جامعه‌شناسان، از جمله اوداردو گائالتانو، معتقدند این قهرمانی باعث تقویت هویت جمعی و ایجاد شادی و انسجام اجتماعی در میان مردم شد؛ اما در عین حال، تا حدی باعث شد مشکلات عمیق اجتماعی کمتر دیده شود و حتی به تعویق تغییرات در این حوزه کمک کند. در واقع، موفقیت‌های ورزشی می‌توانند همزمان دو اثر داشته باشند؛ از یک سو موجب افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی شوند و از سوی دیگر ممکن است توجه جامعه را از مسائل اساسی و ساختاری منحرف کنند. این همان دیدگاهی است که برخی جامعه‌شناسان انتقادی آن با عنوان «تخدیدتوده‌ها» یاد می‌کنند. ورزشکاران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و تقویت همبستگی دارند، اما این نقش در بستر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه معنا پیدا می‌کند و می‌تواند پیامدهای متفاوتی به همراه داشته باشد.